



تولید و تملک سلاح‌های هسته‌ای به مثابه تهدید حق سلامت همگانی (با نگرشی بر آیه ۶۰ سوره انفال)

کیوان حیدر نژاد

گروه حقوق، مرکز تسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، تسوج، ایران
keyvan_heidarnejad@yahoo.com

سیده منیرا حجازی

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
hejazimonira@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: امروزه با توجه به قدرت تخریب و آسیب‌رسانی سلاح‌های اتمی برای افراد، محیط‌زیست و حق سلامت همگانی، این موضوع از مسائل بسیار مهم دنیای معاصر محسوب می‌شود. از این رو هدف از نگارش مقاله حاضر بررسی مشروعیت یا عدم مشروعیت دستیابی به این نوع از سلاح‌ها در پرتو آیه ۶۰ سوره مبارکه انفال می‌باشد.

روش تحقیق: تحقیق حاضر از نوع کیفی با روش توصیفی-تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای انجام یافته است.

یافته‌ها: براساس یافته‌های بدست آمده از فرضیه تحقیق، منظور از اعداد و ارباب همان دستیابی و استفاده از سلاح‌های متعارف در وقت نیاز و به ضرورت است.

نتیجه‌گیری: با تکیه بر یافته‌های تحقیق می‌توان عنوان نمود با استناد به ادله‌های عقلی، قرآنی و روایی تولید و تجهیز به سلاح‌های هسته‌ای با توجه به ویژگی مخرب آن در هیچ زمان و مکان جایز نمی‌باشد و از این رو مفهوم آیه ۶۰ سوره مبارکه انفال دلالت بر استفاده از این نوع سلاح‌ها ندارد. علی‌ایحال در این خصوص می‌توان به فتوای تاریخی مقام معظم رهبری به عنوان یک حکم اولیه که تولید، انباشت و کاربست سلاح‌های اتمی را در هیچ زمان و مکانی جایز نمی‌داند، اشاره نمود.

کلیدواژه‌ها: سلاح‌های هسته‌ای، قرآن کریم، آیه ۶۰ سوره انفال، حق سلامت همگانی



۱- مقدمه

جنگ همواره به عنوان یکی از منفورترین اعمال بشریت شناخته شده است. و صرف نظر از موضوع و علت وقوع جنگ هیچ‌گاه از قدرت تخریب آن کاسته نمی‌شود. لذا صلح و آرامش و دست یابی به آن همواره از اموری است که فطرت پاک انسان آن را دنبال می‌کند و به دنبال دست‌یابی به آن می‌باشد. چرا که از رویاهای بشر گسترش صلح در جهان است. که در آیات قرآن و روایات نیز همواره بدان تأکید شده است. دانش هسته‌ای یکی از دانش‌های نوظهور بشریت است، این دانش همچون شمشیر دولبه‌ای می‌ماند که در یک سمت آن، می‌توان از آن در جهت سعادت بشر سود جست مانند کشاورزی، پزشکی، تولید برق و در سمت دیگر سلاحی خانمان سوز و مخرب قرار دارد. هر چند در برخی از آیات قرآن بر جنگ با اهل حرب و مشرکان تأکید شده است. لذا در طول تاریخ اسلام همواره بر صلح و پیشگیری از وقوع جنگ نیز تأکید شده است. چرا که هدف دین اسلام نیز بر پایی صلح و آرامش در جهان است. لکن در شرایط جنگ هم به رعایت حقوق بشر دوستانه و جلوگیری از تعدی به حقوق انسان‌ها تأکید می‌شود. با توجه به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در سال‌های پیشین بروی شهرهای ناکازاکی و هیروشیما در ژاپن و عدم جلوگیری قاطعانه جامعه بین‌المللی از این نوع سلاح‌ها و رشد و گسترش دانش هسته‌ای در بین کشورهای ابر قدرت و غیرآن‌ها. لذا امروزه هیچ‌گونه ممنوعیت مطلق و عامی از عرفی و قراردادی در خصوص کاربرد سلاح‌های هسته‌ای وجود ندارد (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۱: ۶۳). و از این لحاظ ضرورت بررسی مبانی فقهی و اسلامی در مورد جواز یا عدم جواز تولید و انباشت سلاح‌های هسته‌ای برآمدیم. و تمایز مقاله حاضر با پژوهش‌های پیشین در این است که در این پژوهش علاوه بر بررسی قواعد بین‌المللی به تفسیر جواز تولید و تملک از دید آیه ۶۰ سوره انفال پرداخته شده است.

فرضیه تحقیق: آیه‌ی شریفه یک دلیل مطلق و عام هست برای لزوم آمادگی مسلمانان در برابر دشمنان، لکن از چنان اطلاقی برای برخورداری از سلاح‌های هسته‌ای یا کشتار جمعی برخوردار نمی‌باشد چرا که منظور آیه از اعداد ارباب دشمنان است و کاربرد این آمادگی در برابر دشمنان چه از لحاظ نیروی انسانی و یا نظامی می‌باشد لذا داشتن سلاح‌های هسته‌ای و یا بعبارتی تولید و انباشت آنها به معنای بازدارندگی در صورت عدم استفاده از این سلاح‌ها نمی‌باشد و حتی امکان سو استفاده و به خطر افتادن امنیت کشورها و فروپاشی اقتصادی را در پی دارد. بنابراین مقاله حاضر کوشیده است تا به بررسی سلاح‌های هسته‌ای از منظر حقوق بین‌الملل و فقه اسلامی در پرتو آیه ۶۰ سوره انفال به بررسی مشروعیت یا عدم مشروعیت تولید و تملک سلاح‌های اتمی بپردازد.

۲- مفهوم شناسی سلاح هسته‌ای

سلاح‌های هسته‌ای که در زمره‌ی سلاح‌های انهدام فراگیر قرار دارد در مقابل سلاح‌های متعارف به کار می‌رود و مقصود از این تنوع سلاح‌ها، سلاح‌هایی هستند که دارای قدرت انهدام یا تخریبی گسترده، فراگیر، غیر قابل تمایز یا غیر قابل تفکیک و وحشتناک دارند، بنابراین نمی‌توان آنها را به طور دقیق و مشخص محدود به هدف‌های نظامی یا غیر نظامی اعم از اموال یا تاسیسات و یا انسان‌ها به کار برد (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۱: ۱۱). سلاح اتمی در ضمیمه ۲، پروتکل سوم کنترل تسلیحات پاریس مورخ ۲۳ اکتبر ۱۹۴۵ چنین تعریف شده است: «هر سلاحی است که حاوی سوخت هسته‌ای یا ایزوتوپ‌های رادیو اکتیو بوده است یا برای این منظور طراحی شده باشد و یا از آن مواد به عنوان سلاح انهدام فراگیر استفاده شود». نخستین بمب از این نوع در سال ۱۹۴۵م در ایالات نیو مکزیکو در ایالات متحده آمریکا آزمایش شد. این بمب قدرت انفجاری ۱۹ کیلو تن را داشت که این انفجار موج بسیار نیرومند پرتوهای شدید نورانی را ایجاد کرد که همراه با تشعشعات نفوذ کننده اشعه گاما و پخش مواد رادیواکتیو بود. بعدها در ششم و نهم اوت بمب اورانیومی بر شهر هیروشیما و بمب پلوتونیومی بر شهر ناکازاکی مورد استفاده قرار گرفت. در نتیجه این حملات تعداد زیادی از افراد جان باختند و تعداد بسیاری نیز در پی اثرات ثانوی تشعشعات اتمی جان باختند و گزارشات نیز از این حاکی است امروزه نیز بعد از گذشت سالها از انفجار این دو بمب بسیاری از افراد بر اثر تشعشعات



اتمی بجا از این حملات دچار مرگ و میر می‌شوند (حنان و علوی و وثوقی، ۱۳۹۹: ۲۱۰). ویژگی های منحصر بفرد سلاح‌های اتمی و بمب‌های هسته ای حرارتی یا هیدروژنی که از جدایی هسته‌ای اتم از اورانیوم به دو هسته‌ی دیگر و تحت تاثیر نوترون‌ها بوجود می‌آیند به این صورت می باشد:

- ۱- اثر سوزش و حرارت با قدرتی بیش از میلیون‌ها برابر بمب‌های کلاسیک
- ۲- اثر رادیو اکتیو در سطح گسترده
- ۳- آثار بیولوژیکی که باعث سرطان خون و نیز تغییرات جهش مصنوعی می‌شود.

۳- مفهوم حق بر سلامت همگانی

حق بر سلامت مفهومی ذهنی دارد اما عاملی مهم برای رفاه کرامت انسانی است. در این خصوص مسئولیت معینی برای دولت‌ها در نظر گرفته می‌شود. دولت‌ها نمی‌توانند بهداشتی بهینه را تضمین کنند اما نهادهایی هستند که مناسب‌ترین در تأمین آن دسته شرایط اساسی محسوب می‌شوند که سلامت فرد به اتکای آن حفظ و احیاناً بهبود می‌نمایند. از میان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حق به برخورداری از سلامتی یکی از حق‌های بنیادین بشری شناخته در نظام بین‌المللی حقوق بشر است. حق بر سلامتی در پیوند جدانشدنی با حق حیات (نسل اول حقوق بشر) قرار دارد و از طرف دیگر با حق بهداشت و تأمین اجتماعی پیوند خورده است. علاوه بر این حق بر محیط زیست سالم که در نسل سوم قرار دارد نیز از سرچشمه حق بر سلامتی سیراب می‌شود. بنابراین حق بر سلامتی را می‌توان حلقه ارتباط نسل‌های مختلف حقوق محسوب کرد و از اهمیت والای این حق در حقوق بشر سخن گفت که توسط نظام‌های حقوقی پیشرفته به عنوان یک اصل کلی پذیرفته شده است (کجیاف، ۱۳۹۲: ۱۴۱). با پذیرش این اصل تعهدات دولت‌ها در قبال ارتقای حق بر سلامت نظیر هر حق بشر دیگری دارای سه بعد است:

اول: تعهد به احترام: یعنی دولت به شیوه‌ای عمل کند که آزادی عمل فرد و کرامت او حفظ شود و در رابطه با حق بر سلامت این امر از طریق و سیاست‌های حکومتی اعمال می‌شود.

دوم: تعهد به حمایت: طبق این تعهد، حقوق افراد محترم است و نه تنها دولت نباید مداخله کند بلکه باید از مداخله‌ی اشخاص ثالث هم جلوگیری کند این تعهد یعنی دولت‌ها باید تلاش کنند خطرات تهدیدکننده‌ی سلامتی را به حداقل رسانده و اقدامات ضروری برای حمایت از حق بر سلامت مردم در برابر مداخله‌ی اشخاص ثالث را انجام دهند.

سوم: تعهد به ایفاء: مطابق با این تعهد، دولت متعهد به انجام اقداماتی هستند که افراد را در عمل قادر به برخورداری از سلامت می‌کند از جمله این اقدامات، اقدامات تقنینی، اداری، بودجه‌ای و قضایی است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۵).

۴- سلاح‌های هسته‌ای از منظر حقوق بین الملل

مطابق با مقررات منشور ملل متحد توسل به زور علیه تمامیت سرزمینی یا استقلال کشورها سیاسی هر کشوری بدون توجه به به سلاح بکار گرفته شده ممنوع می‌باشد. مطلب اصلی در زمینه‌ی سلاح‌های هسته‌ای ممنوعیت یا عدم ممنوعیت تولید، تملک و استفاده از این نوع سلاح‌ها است. منشور ملل متحد استفاده از این نوع سلاح‌های خاصی از جمله سلاح‌های هسته‌ای را بطور کامل نه منع می‌کند و نه مجاز می‌داند (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۰: ۱۶). لکن در این زمینه می‌توان به رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری اشاره که از این طریق موضع حقوق بین‌الملل نیز در این خصوص روشن می‌گردد. دیوان بین‌المللی دادگستر در ۸ ژوئن ۱۹۹۶ قطعنامه را در پاسخ به پرسش سازمان ملل متحد در مورد اینکه آیا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای تحت هر شرایطی مجاز است یا نه؟ چنین استناد می‌کند: دیوان برای بررسی این حکم، حقوق قابل اعمال در این موضوع را بدین صورت تفکیک و بررسی می‌کند: با توجه به اصل تناسب که یکی از شرایط دفاع مشروع می‌باشد در صورتی که علیه دولتی از سلاح‌های هسته‌ای استفاده شود آن دولت می‌تواند در مقام دفاع مشروع از این سلاح‌ها استفاده کند زیرا در حملات



نامشروع تمامیت سرزمینی و استقلال کشورها به خطر می‌افتد. هم چنین دیوان موضع حقوق بشر را از موضع حقوق مخاصمات مسلحانه جدا می‌داند و استفاده از این نوع سلاح‌ها را تابع مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه می‌داند. در مورد کشتار غیر نظامیان در قوانین حقوق بشر دوستانه، دیوان مقرر می‌داند که استفاده از سلاح‌های اتمی به معنای کشتار جمعی نیست چون این امر زمانی محقق می‌گردد که قصد کشتار جمعی وجود داشته باشد. هم چنین دیوان در بررسی‌های مربوط به حقوق عرفی در این زمینه به این نتیجه می‌رسد که عرفی در این خصوص شکل نگرفته است ولی عنصر معنوی در حقوق بین الملل در حال پیشرفت هر چند در این خصوص معاهداتی همچون منع آزمایش‌های هسته‌ای، منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای صادر شده بود. همچنین در زمینه حمایت از محیط زیست دیوان اشاره می‌دارد که هیچ یک از قواعد موجود در این زمینه نمی‌تواند ممنوعیت کامل این تسلیحات را بطور مطلق اثبات نماید. در موضوع قواعد موجود هیچ کدام ماهیت عرفی ندارند که قابلیت استناد داشته باشند (داودی لیمونی، ۱۳۹۴: ۵۵). و کشورهای متخاصم و غیر متخاصم باید در مخاصمات مسلحانه نیز حقوق بین الملل محیط زیست را رعایت نمایند، حتی اگر قصد تعقیب‌های با اهداف نظامی مشروع لازم و مناسب را داشته باشند، باید مقتضیات اکولوژیکی را در نظر بگیرند (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۰: ۱۷). در نتیجه در خصوص ممنوعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای هیچ قاعده‌ای وجود ندارد و این تصمیم دیوان نه تنها مشکلی را حل نکرد بلکه مشکلات موجود را نیز افزایش داد. بنابراین جلوه‌های نظم عمومی در منشور متجلی است. و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای با روح اهداف و اصول سازمان ملل متحد مخالف می‌باشد. به تصریح مجمع عمومی سازمان ملل، وجود مستمر سلاح‌های هسته‌ای تهدیدی برای کل بشریت بوده است و استفاده از آنها نتایج مصیبت باری را به همراه خواهد داشت. انعقاد معاهدات متعدد در خصوص سلاح‌های هسته‌ای، همگی حاکی از افزایش نگرانی جوامع در خصوص احتمال جنگ هسته‌ای و کاربرد چنین سلاح‌هایی می‌باشد. قطعاً فضای بین المللی نیز از زمان صدور نظریه مشورتی ۱۹۹۶ تغییر کرده است. امروزه جامعه بین المللی در گیر مسئله مبارزه با تروریسم بین المللی و مسائل جدیدی در حوزه سلاح‌های هسته‌ای مطرح می‌گردد. دنیای امروز متفاوت از چیزی است که در زمان صدور نظریه مشورتی جاری بوده است. با این حساب می‌توان به یافته‌های دیوان در رای مشورتی مزبور با دیده‌ی تردید نگریست و آنها را به چالش کشید (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۱: ۸۳).

۵- حقوق بشر دوستانه‌ی اسلامی

حقوق بیگانگان، حقوق اقلیت‌های مذهبی و حقوق خاصی که انسان‌ها در زمان جنگ دارا هستند که معمولاً با عنوان حقوق بشر دوستانه اسلامی شناخته می‌شود. به عبارت دیگر مقصود از حقوق بشر دوستانه اسلامی کلیه حقوقی است که در جنگ برای دشمن شناخته می‌شود. و اقدام به جنگ در شرایطی که مجاز باشد در اسلام جایز است و جنگیدن با اهل حرب مشروع و واجب می‌باشد (ضیایی بیگدلی؛ ۱۳۹۵: ۱۴۹). از دیدگاه اسلام دشمنان در زمان جنگ متمایز قرار می‌گیرند: الف) گروهی که شامل نظامیان می‌شوند و بطور مستقیم یا غیر مستقیم در جنگ دخالت دارند. ب) گروهی که شامل زنان، کودکان و سالخورده‌گان دشمن می‌باشد. از این لحاظ مطابق با قوانین در جنگ، اسلام برخی از اعمال را ممنوع بشمار می‌آورد: کشتار غیر نظامیان دشمن یعنی کسانی که بطور مستقیم یا غیر مستقیم در جنگ شرکت ندارند. همچنین کشتن نظامیانی که به اجبار در جنگ شرکت کرده‌اند ممنوع می‌باشد. محاصره اقتصادی و کشتن حیوانات اهلی، استعمال سم و مواد شیمیایی زیانبار علیه اتباع دشمن و سرزمین‌ها، تعرض به کلیساها و معابد دشمن، مثله کردن اجساد دشمن، کشتار مجروحان و اسیران جنگی، شکنجه و آزار و اذیت و کشتار تسلیم شدگان نیز ممنوع شمرده شده است.



۶- سلاح هسته ای از منظر فقه اسلامی

مهم‌ترین آیه‌ای که در اثبات حکم فقهی سلاح هسته‌ای و هرگونه تسلیحات کشتار جمعی و سلاح‌های دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. آیه ۶۰ سوره انفال می‌باشد. «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تَرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ تُظْلَمُونَ» - آماده کنید برای (کارزارها) ایشان هر چه در توان دارید از نیرو و از اسبان بسته شده که بترسانید با آن دشمنان خدا و دشمن خود را و دیگران را از غیر ایشان که شما آن را نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد شان و آنچه در راه خدا خرج کنید به شما پرداخت می‌شود و شما ظلم ظلم نخواهید شد».

۱-۶- بررسی مفهومی آیه ۶۰ سوره انفال

(اعداد) به معنای تهیه کردن چیزی است تا انسان با آن چیز به هدفی که دارد برسد و اگر قبلاً آن را تهیه نکرده باشد به مطلوب خود نمی‌رسد. کلمه (قوه) به معنای به معنای هر چیزی است که با وجودش کار معینی از کارها صورت می‌گیرد و در جنگ به معنای هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن امکان پذیر است از قبیل انواع اسلحه و مردان جنگی با تجربه و دارای سوابق جنگی و تشکیلات نظامی و غیره است. کلمه (رباط) به معنای عقد و گره می‌باشد و کلمه (خیل) به معنای اسب است و (ارهاب) به معنایش نزدیک به معنای تخویف است (طباطبایی، ۱۴۱۲ق: ۱۴۲). اگر چه خوف و رهب هر دو به معنای ترس مستمر معنا شده است اما خوف را ضد امن دانسته اند یعنی خوف حس ترس ناشی از امنیت است، اما رهب در برابر واژه‌ی رغبت به معنای ضد یاد شده است. بر این اساس رهب به معنای ترسی است که مانع رغبت به امری می‌شود و می‌توان گفت این ترس حاصل از نبود امنیت، بلکه برخاسته از احتمال از میان رفتن امنیت به سبب انجام کاری استو این ترس مانع رغبت می‌شود (داودی لیمونی، ۱۳۹۴: ۵۹). فراز "و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه من رباط الخيل" مهم ترین دلیل برای جواز تولید و تملک سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد زیرا عبارت (ما استطعتم) یک دلیل عام می‌باشد و دلالت واضحی بر این امر دارد که خداوند دستور می‌فرماید هر مقداری که استطاعت دارید خود را تقویت نمائید. لذا مسلمانان باید از هر وسیله‌ی ممکن، برای آمادگی نظامی برخوردار باشند و تنها محدودیت توان و نیرو می‌باشد؛ تمام توان‌ها باید صرف آمادگی نظامی شود تا این که دشمنان خدا از قدرت آنان در هراس باشند. واژه (قوه) نیز امر عامی است به مومنین که در قبال کفار توانایشان را از تدارکات جنگی که به آن احتیاج پیدا خواهد کرد تهیه کنند. آنچه که کفار دارند یا ممکن است تهیه کرده باشند آماده سازند چرا که زمانی که مجتمع‌های انسانی با عقاید و افکار متفاوت تشکیل می‌شوند جنگ اجتناب ناپذیر است و بر جامعه‌ی اسلامی لازم است که همیشه در هر حال در قبال دشمنش مجهز باشد (حنان و همکار: ۱۳۹۸: ۱۴۳). حال این تجهیز در هر زمانی با توجه به إطلاق قدرت در هر دوره و زمانی دارای مصادیق متفاوت می‌باشد و مصداق خاصی باید برایش پیدا کرد. بنابراین در نهایت حکم این آیه این خواهد بود که تولید و تملک سلاح هسته ای بارزترین مصداق قوت و توانایی در روزگار کنونی می‌باشد. و جایز بلکه واجب می‌باشد چرا که ایجاد آمادگی در برابر دشمنان اسلام به خاطر واژه ی اعداد امری واجب است. آخرین فراز آیه "ترهبون به عدو الله و عدوکم" که همانطور که قبلاً اشاره شد ایجاد ترس و هراس در دل دشمن است که ناشی از آمادگی نظامی است، خوفی که موجب منع آنها از هرگونه تهاجمی گردد جرأت حمله کردن از آنها را بگیرد. و موجب بازدارندگی آنان شود، و این یک اصل اساسی می‌باشد که حتی خضاب کردن موی کهن سالان در جنگ نیز به همین امر بر می‌گردد. بدین ترتیب امروزه داشتن سلاح هسته موجب ایجاد آمادگی کامل در برابر دشمنان می‌شود و تمام کشورهایی که بدنبال تجهیز به این سلاح ها می‌باشند هدفشان قرار دادن خود در بهترین شرایط دفاعی است زیرا از مهم ترین عوامل بازدارندگی جنگ و تهاجم می‌باشند. بنابراین کشورهای اسلامی نیز با دستیابی به ساخت چنین سلاح هایی خود را در بهترین شرایط دفاعی قرار می‌دهند و این همان مقصود آیه، ایجاد ترس و هراس در دل دشمنان می‌باشد.



۲-۶- بازدارندگی سلاح هسته ای در پرتو آیه ی ۶۰ سوره انفال

نظریه بازدارندگی در روابط بین الملل همان معنا و مفهوم مدنظر آیه ۶۰ سوره مبارکه انفال می باشد که نتیجه همسانی راه دنبال دارد؛ از این رو با الگو گیری از روابط بین الملل می توان اثبات نمود که تولید و انباشت سلاح های هسته ای را به هیچ عنوان نمی توان در معنا و مفهوم بازدارندگی مد نظر آیه شریفه دانست. واژه ی بازدارندگی در مقابل کلمه deterrence معنا می گردد. در فرهنگ معین باز داشتن را در زبان فارسی به معنی منع کردن، جلوگیری کردن، توقیف کردن و حبس کردن معنی می کنند. اما واژه ی deterrence یعنی پیشگیری کسی از انجام عملی به سبب ترس، وحشت تهدید و ترور با مفهوم مذکور، بازدارندگی یک اثر روانی بر دشمن دارد و او را از اندیشه ی حمله یا شروع به جنگ باز می دارد این نوع تهدید باید پیامی صریح داشته باشد و آن پیام باید تهدید به رنج و آسیب باشد. معمولاً در بازدارندگی عمل متقابل یا تلافی جویانه نفس اساسی دارد. این پیام باید طوری باشد که اگر دشمن جنگ را آغاز کند، بهای بسیار سنگینی را بپردازد پس بازدارندگی بین دولت الف و ب عبارت است از قدرت تهدید از ناحیه الف علیه ب به منظور پیش گیری از آغاز جنگ از ناحیه ب به نحوی که در فقدان این قبیل تهدیدات بتوانند به جنگ مبادرت می ورزد (عسگر خانی، ۱۳۷۷: ۲۰). این عمل نه یک منع و یا اقدام فیزیکی، بلکه صرفاً ایجاد حالتی روانی برای از میان رفتن مطلوبیت و رغبت به عمل و لذا همانگونه که مشاهده می شود این معنا دقیقاً با معانی مستبط از آیه قابل انطباق است. بازدارندگی دارای ۲ نوع است: الف- بازدارندگی متعارف مبتنی بر سلاح های متعارف باشد. ب- بازدارندگی هسته ای که مبتنی بر سلاح های هسته ای است. لذا از آنجا که تهدید به رنج سلاح های هسته ای شدیدتر از سلاح های متعارف می باشد بدین ترتیب تهدید به آسیب رسانی از طریق هسته ای نیز آثار بازدارندگی بیشتری دارد. قائلین به نظریه ی بازدارندگی هسته ای تأکید می کنند که تجهیز به سلاح هسته ای عملاً باعث افزایش امنیت کشور و ایجاد کننده ی ترس برای دشمنان است و برای اثبات ادعای خود به کاربرد این نظریه در دوران جنگ سرد و عدم شکل گیری جنگ مستقیم بین دو ابر قدرت جهان می دانند. لذا گسترش سلاح های هسته ای را عامل گسترش امنیت جهانی عنوان می کنند (داودی لیمونی، ۱۳۹۴: ۶۲). اما نظریه بازدارندگی مخالفانی دارد که: بر اساس نظریات این افراد گسترش سلاح های کشتار جمعی مخصوصاً هسته ای عامل بی ثباتی و کاهش امنیت فردی و بین المللی می دانند. اثرات گسترش سلاح های هسته ای را می توان در چند دسته تقسیم بندی کرد: افزایش میل دشمن به تجاوز، از بین رفتن امنیت، فروپاشی اقتصادی، تروریسم هسته ای، اشتباهات داخلی رهبران دولت ها، از میان رفتن عوامل متعارف. حال با توجه به مطالب فوق این سوال مطرح می گردد که باتوجه به تعبیر (ترهون) در آیه شریفه ۶۰ سوره انفال و مفهوم بازدارندگی آیا تولید و تملک سلاح های هسته ای باعث بازدارندگی و اعداد در برابر دشمنان می شود؟ اینطور می توان پاسخ داد که هر گونه استفاده از آیه شریفه ی ۶۰ سوره انفال در جهت تولید و تجهیز سلاح اتمی به عنوان یک قاعده ی عام منتفی است و از دایره ی شمول آیه خارج می شود چرا که تولید و انباشت اینگونه سلاح ها با توجه به ویژگی های اینگونه سلاح ها امری حرام و ممنوع می باشد و تولید و انباشت اینگونه سلاح ها حتی اگر قصدی برای استفاده از آنها نیز وجود نداشته باشد امری لغو و بیهوده است زیرا در صورتی باعث بازدارندگی می شوند که امکان استفاده از آنها ولو در شرایط اضطراری وجود داشته باشد و این در حالی است که با توجه به مطالب آورده شده استفاده از سلاح های هسته ای جایز نمی باشد. از این روی می توان این چنین گفت که تملک اینگونه سلاح ها شاید امری جایز باشد اگر به غرض استفاده نباشد لکن زمینه ای را برای بازدارندگی در برابر دشمنان ایجاد نمی نماید. صرف هزینه گزاف برای تولید و نگهداری آنها جایز نیست و حتی ممکن است این سلاح ها به دست افراد نا اهل نیز بیفتد و خطرات جبران ناپذیری به بار بیاورد (ایزدهی و صدیق تقی زاده، ۱۳۹۷: ۲۷۶). در نتیجه منظور آیه شریفه از اعداد و ارهاب در برابر دشمنان دستیابی به سلاح های متعارف و استفاده از آنها در وقت ضرورت و در موقعیت های دقیق و مشخص بر علیه دشمن، بدون آسیب رسانی به غیر نظامیان و محیط زیست است.



۳-۶- بررسی دلایل مشروعیت یا عدم مشروعیت تولید و تملک سلاح هسته ای

دلیل اول: قرآن کریم

براساس آیه ۶۰ سوره انفال مسلمانان باید قدرت دفاعی و نظامی خود را تقویت نمایند و این توصیه قرآن دلیلی، بر تملک و تولید بمب های هسته ای می باشد؟. خداوند متعال در این آیه به صورت امر و جویی واجب فرموده است که مسلمانان خود را در برابر دشمنان آماده نمایند و از عنوان أعدوا برای وجوب آمادگی برای مقابله با دشمنان استفاده کرده است. همانطور که قبلا نیز اشاره شد این وجوب آمادگی شامل هم نیروهای نظامی و هم ادوات جنگی می باشد (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۳: ۱۸). در نتیجه این آیه تولید سلاح اتمی را به جهت تقویت نیروی دفاعی و جنگی مسلمانان جایز بلکه لازم می داند این وجوب در معنای ترهون که به معنای ایجاد ترس در دل دشمنان می باشد تجلی می یابد. در مقابل این تأکید قرآن کریم آیهی شریفه دیگری نیز وجود دارد که دلالت بر حرمت فساد دارد به این معنا که فساد امری مغبوض خداوند متعال است. آیه ۲۰۵ سوره بقره می فرماید: «و إذا تولى تسعى فى الأرض ليفسد فيها و يهلك الحرث و النسل و الله لا يحب الفساد» آیهی شریفه دلالت بر این دارد که عده ای در هنگامی که در روی زمین حاکم می شوند تمام تلاش آنان إفساد در زمین و از بین بردن زراعت و نسل بشر است. سپس خداوند به نحو کلی و قاعده می فرماید خداوند فساد را دوست ندارد. از آیه شریفه چنین مستفاد می گردد که هر عملی که موجب فساد گردد مغبوض خداوند متعال می باشد و روشن است که سلاح های اتمی و شیمیایی موجب فساد هستند چرا که علاوه بر افراد جنگجو، دیگران را نیز از بین می برد. و علاوه بر آن بر نسل آینده نیز تأثیر می گذارد. و موجب تخریب و حرث زمین می شود. (همان: ۱۹). آیه شریفه دیگری که بر این امر تأکید می کند: آیه ۱۱ سوره بقره می باشد: «و إذا قيل کم لا یفسدوا فى الأرض قالوا إنما نحن مصلحون» بنابراین از این آیه می توان چنین برداشت که مسئلهی فساد در روی زمین همیشه مورد نهی و تحریم بوده است و در برخی از آیات نیز خداوند متعال فرموده است که فساد را خداوند دوست ندارند بدین معنی نیست که فساد امری است مکروه چرا که اولاً عدم حبّ در اصطلاح قرآن به معنای مغبوض بودن است و ثانیاً در برخی از آیات مسئلهی فساد مورد نهی و تحریم قرار گرفته است. مانند آیهی ۲۷ سوره کسانی که در زمین فساد ایجاد می کنند زیان کارند بنابراین از قرآن به خوبی بر محرم بودن فساد استفاده می شود. بحث مهم فقهی در نسبت میان آیه شریفه ۶۰ سوره انفال و آیات سورهی بقره این است که اساساً مسئلهی جهاد و دفاع که مستلزم قتل و جرح و نابودی است، هر چند به حسب ظاهر فساد است ما هنگامی که عنوان فی سبیل الله را پیدا کند دیگر از عنوان فساد خارج می شود و در نتیجه چنانچه سلاح اتمی به قصد دفاع و إحیای دین نباشد از مصادیق فساد می باشد. اما اگر این عنوان باشد دیگر از مصادیق فساد نخواهد بود. بدین ترتیب در آیات اول از نظر قرآن در آیه ۶۰ سوره انفال برای عدم تولید و تملک و استفاده از سلاح های اتمی نداریم و چنانچه اگر آیات سوره بقره در تقیید این آیه بیاوریم این طور می شود که چون سلاح های اتمی موجب فساد می شود بنابراین استفاده از آن جایز نیست اما دیگر دلالت بر منع و تهییه و ساخت سلاح اتمی ندارد (همان: ۲۳). لذا با ملاحظه می توان از محتوای این آیه تمامی اصول حاکم بر حقوق بشردوستانه را استخراج نمود. جالب آنکه در میان فرق های اسلام در خصوص فساد در زمین این عمل به حکم مبارزه با نبی خدا (ص) قلمداد شده و اسلام با آنچه تهدیدی با بشریت باشد میانه ای ندارد و حکم عقل سلیم که سلاح هسته ای را دشمن بشریت می داند از نظر اسلام و قرآن کریم نیز پذیرفته شده است و این سلاح ها و ساختار آن به کلی مردود است.

دلیل دوم: روایات

همانطور که اشاره شد خداوند اجازه ی فساد در زمین نمی دهند و آن را حرام بر می شمارند هر چند که بطور صریح بر آمادگی دفاعی و نظامی مسلمانان و ایجاد ترس در دل دشمن تأکید کرده اند. سلاح های هسته ای به دلیل عدم رعایت برخی از اصول و ایجاد خسارت های جبران ناپذیر برای طبیعت و بشر نمی توان تولید و تملک و حتی استفاده از آن ها را مشروع دانست. در این بین می توان به روایاتی اشاره کرد که می توان از آنها چنین نتیجه ای را گرفت.



۱- روایتی از امام صادق علیه السلام فرموده اند: «قال أن النبی کان إذا بعث أمیرا علی سریه أمره بتقوی الله عزوجل فی خاصه نفسه ثم فی اصحابه عامه ثم یقول: اغزوا بسم الله و فی سبیل الله قاتلوا من کفر بالله و لا تغدروا و لا تمثلوا و لا تقتلوا ولیدا، و لا متبتلا فی شاهی، و لا تحرقوا النخل، و لا تغرقوه بالماء، و لا تقطعوا شجره مثمره، و لا تحرقوا زراعا» (طوسی، ۱۳۶۵: ۲۵۶). رسول خدا علیه السلام به فرماندهای که به عنوان «امیر جنگ» منصوب می‌کردند علاوه بر توصیه‌هایی به خود او و اصحاب و سربازان او می‌فرمودند: جنگ را با نام خدا آغاز کن و فقط با کسانی که کفر به خدا دارند مقاتله کنی و مکر و حلیه نکنی و مثله نکنی، کودکان را نکشید و کسانی که زخمی و مجروح هستند را نکشید و درختان نخل را آتش نزنید، کفار را در آب غرق نکنی، درختان ثمره دار را قطع نکنی و زراعت‌ها را نیز آتش نزنید. نتیجه اینکه سلاحی مانند سلاح‌های اتمی که از جنگجویان و نظامیان تعدی می‌کند و شامل غیر آنها می‌شود بر حسب این روایت صحیح نمی‌باشد (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۳: ۲۵). کشتار غیر نظامیان همان افرادی هستند که بطور مستقیم یا غیر مستقیم در جنگ علیه اسلام شرکت ندارند. زنان و کودکان، دیوانگان، حتی اگر دشمن را یاری کرده باشند (نه جز اینکه جز افراد نظامی باشند) از کشتن در امانند اما اگر نیرویی نظامی دشمن آنان را سپر قرار داده باشد و چاره‌ی منحصر برای پیروزی و فتح (همان سپر قرار دادن) این باشد بنا به ضرورت جنگی کشتار آنان جایز می‌گردد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۱۵۲).

۲- روایت عبدالله بن مسعود عن ابیه قال: «قال رسول الله (ص) لاتعذبوا بالنار لایعذب بالنار الا ربه» (طوسی). از طریق سوزاندن کسی را عذاب ندهید، چرا که فقط خدای آتش، با آتش کسی را عذاب می‌دهد. بنابراین از روایت مستفاد می‌شود که برای غلبه به دشمن و حتی ایجاد ترس در دل دشمنان نمی‌توان از هر سلاحی استفاده کرد چرا که اگر سوزاندن جایز نباشد به مراتب اولی سلاح‌های کشتار جمعی شدیدتر می‌باشد. بنابراین بایستی در هر حال از سلاح‌های متعارف برخوردار بود و سلاح کشتار جمعی خارج از عنوان متعارف می‌باشند.

۳- روایت عن سکونی، عن جعفر، عن امیر، عن علی (ع) «إنالنبی(ص) نهی أن یلقى السم فی بلاد المشرکین- پیامبر نهی نموده اند که مسلمانان برای از بین بردن کفار سم را در بلاد مشرکین قرار دهند». این روایت که دلالت بر حرمت استفاده از سم در بلاد مشرکین را دارد می‌توان در عدم تملک و تولید سلاح‌های هسته‌ای بکار برد. البته برخی از فقها علت حرمت این روایت استفاده در برابر زنان و کودکان و پیران و حتی مسلمانانی که ممکن است در آن سرزمین‌ها زندگی کنند ولی در برابر جنگجویان از این حرمت استفاده نمی‌شود. که آیت‌ا. فاضل لنکرانی در این مورد بیان می‌دارند «حرمت استفاده از سم در موارد ضرورت و اضطرار بوده است و پیامبر اکرم نیز إلقاء سم را بطور کلی نهی فرموده‌اند که القای سم در سرزمین مشرکان جایز نمی‌باشد. حتی اگر پیروزی مسلمانان متوقف بر آن باشد و می‌فرمایند که مسئله‌ی اینکه مشرکان زنان و کودکان را سپر قرار دهند یک مسئله جدا می‌داند و دارای محدودیت می‌باشد در حالیکه سلاح‌های اتمی دارای چنین محدودیتی نمی‌باشند. حتی از روایت سکونی در برابر سپر قراردادن چنین حرمتی برداشت می‌شود. و حتی اگر ما بگوییم برای حفظ اساس اسلام دلیلی بر القای سم می‌باشد باز نمی‌توان این عمل را جایز دانست چرا که حفظ اساس اسلام از راه‌های مشروع امکان پذیر می‌باشد. و در دایره‌ی مواردی است که شرع جایز می‌داند».

دلیل سوم: عقل

از نگاه عقل استفاده از چنین سلاح‌هایی قطعاً قبیح و ظلم می‌باشد چرا که موجب ظلم و در بین بشریت و تخریب محیط زیست می‌شوند. حتی اگر ما ملازمه‌ی بین عقل و شرع را قبول داشته باشیم باید معتقد باشیم که این عمل در نزد شارع حرام می‌باشد و عقل نیز قبیح بودن را درک می‌کند. اما این استدلال برای تولید و تملک و برخورداری از علم به طریقه‌ی ساخت سلاح‌های اتمی کفایت نمی‌کند. و بنابراین تولید و ساخت و علم به ساخت را از این عنوان خارج می‌کند. چنین استدلال می‌شود که کسی که چنین سلاحی را می‌سازد و به تملک در می‌آورد ممکن است در آینده از این سلاح استفاده نماید و می‌توان



بیان داشت که عقل چنین امری را شراکت در ظلم و قبح می‌داند. بنابراین نمی‌توان بیان کرد که عقل چنین امری را تنها در صورت استفاده قبیح می‌داند، حتی استفاده از آن را در برابر مقابله به مثل نیز قبیح می‌شمارد. بلکه بطور عقل داشتن این سلاح ها را برای اقتدار و بازدارندگی نیز قبیح می‌داند.

دلیل چهارم: آرای فقها

علامه حلی به موضوعیت تجهیزات جنگی ادوار سابق می‌نویسد: کشتن اطفال مشرکین و هم چنین زنان و مجانین جایز نیست بنابر اجماع ایشان به استناد اجماع و سپس با استناد به روایتی از پیامبر می‌فرمایند: این روایت را جمهور مورد تمسک قرار داده‌اند و در طریق سندش یونس ابن یعقوب قرار دارد. پیامبر می‌فرماید: برای خدا و در راه خدا رها کنید و نکشید پیرمردان، صغار و زنان را. از طریق خاصه روایتی با همین مضمون آورده‌اند از ابو حمزه ثمالی که از اباعبدالله (ع) نقل می‌کند «پیامبر هر گاه فرماندهی را به سربهای می‌فرستاد به ایشان می‌فرمود لا تقتلوا شیخا فانیا و لا صبیا و لا امراه و آنگاه حضرت از یارانش می‌خواهد تا کلام خداوند را به دشمن برسانید اگر پذیرفتند برادران دینی شما هستند و اگر نپذیرفتند باز هم به آنان امان بدهید زیرا ایشان از اهل محاربه نیستند و کشتن‌شان سزاوار نیست». صاحب جواهر نیز می‌نویسند: کشتن مجانین و اطفال و زنان جایز نیست و ایشان مطلب را در نهایت اجماع می‌دانند. در میان فقهای متأخر نیز آیت‌الله جعفر سبحانی در پیامی به همایش فقه هسته ای چنین اظهار نمودند که: «دانش هسته ای یکی از دانش های نوظهور بشریت امروز است که انسان در سایه تجربه به آن دست یافته است. ولی دانش های بشری بالاخص در علوم طبیعی بسان شمشیر دو لبه بوده و می‌توان از آن برای سعادت بشر بهره برد مانند انرژی هسته ای که در مورد پزشکی، کشاورزی و... استفاده دارد و در عین حال، می‌توان از آن به عنوان یک سلاح مخرب و ویرانگر استفاده کرد. با توجه به اصول اسلام در مورد انسان و احترامی که دارد بهره برداری به صورت سلاح کاملا ممنوع است و حتی نمی‌توان به عنوان بازدارندگی از آن بهره برد» (فتاوی: ۲۰۱۶: ۸). آیت الله جوادی آملی در همین همایش بیان کرده‌اند: «نقشه‌ی جامع جهانی دین درباره مسایل نظامی و سلاح های غیر متعارف توسط انبیای الهی ترسیم شده است ایشان در ادامه می‌فرمایند: سلاح های کشتار جمعی نباید تولید شود آنهایی که این سلاح ها را تولید می‌کنند باید آنها را نابود سازند». فقهای اهل سنت نیز مشابه همین نظرات فقهای امامیه را دارند: موصلی از فقهای حنفی معتقد هست نباید در جنگ با دشمنان دین مجنون، زن، بچه، کور، زمین گیر، دست بریده و پیر و ناتوان را بکشید. ابن قدامه از فقهای حنبلی روایتی از ابن عباس در تفسیر آیه ۱۹۰ سوره بقره بیان می‌کنند که کشتن زنان و بچه ها و پیرمردها جایز نیست.

۷- فتوای مقام معظم رهبری در خصوص حرمت سلاح های کشتار جمعی

حضرت آیت الله خامنه ای در تاریخ ۲۱ آذر ۱۳۸۹ فتوای تاریخی صادر کرده‌اند که بر اساس آن کاربرد سلاح‌های هسته‌ای و انواع دیگر سلاح‌های کشتار جمعی مانند سلاح میکروبی و شیمیایی حرام می‌باشد. با استناد به این فتوا در همه زمان ها و مکان ها ممنوعیت این نوع سلاح که موجب فساد در زمین می‌شوند مسجل می‌باشد و تنها مختص به مسلمان ها نمی‌باشد. و همچنین فتوای ایشان بر اساس مستندات قبح و ظلم می‌باشد و عقل نیز بر این قبح و ظلم تأکید می‌کند.

^۱ - **متن فتوا:** به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش از دیگر ملت‌ها خطر تولید و انباشت این گونه سلاح‌ها را حس می‌کند و آماده است همه امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد. ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام، و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابناء بشر از این بلای بزرگ را وظیفه‌ی همگان می‌دانیم.



۸- قواعد فقهی منع تولید سلاح های هسته ای

۸-۱- قاعده وجوب دفع منکر پیش از حدوث آن

بر مبنای این قاعده همانگونه که رفع منکر بعد از پیدایش آن بنا به ادله‌ی وجوب نهی از منکر واجب است، دفع منکر پیش از پیدایش آن یا به عبارت دیگر، ممانعت از تحقق خارجی منکر نیز به طریق اولی با قیاس اولویت باید واجب باشد. از این روی، نداشتن فعالیت در تولید سلاحی که پیدایش آن به استفاده انحصاری در مسیر منکر منجر می‌شود و منفعت آن در فعل شرع نامشروع منحصر است، بنابراین وجوب دفع منکر، واجب است.

۸-۲- قاعده ی منع سعی بر فساد

به دلیل رقابت تسلیحاتی ایجاد شده پس از تولید سلاح هسته‌ای و اینکه رقابت تسلیحات هسته‌ای به مفاسد متعدد امنیتی و اقتصادی و ارباب عمومی ساکنان کره‌ی خاکی منجر می‌گردد، بر اساس قاعده‌ی مزبور، ساخت سلاح هسته‌ای که سعی بر فساد محسوب می‌گردد، حرام تلقی می‌شود.

۸-۳- قاعده حرمت تمهید مقدمات حرام

به دلیل تولید سلاح هسته‌ای نسبت به استفاده از آن، تولید سلاح مقدمه‌ی سببی در ایجاد حرام تلقی می‌گردد و از این روی، خود تولید نیز حرام است.

۸-۴- قاعده ی دفع ضرر محتمل

به دلیل احتمال ظهور تروریسم هسته‌ای پس از تولید سلاح‌های و اینکه پس از تولید، نمی‌توان به دسترسی نداشتن گروه‌های تروریستی به این سلاح اطمینان داشت و به استفاده نکردن از آن در آینده نمی‌توان تضمینی داد، عقل بر دفع این ضرر محتمل با تولید نکردن آن گواهی می‌دهد.

۸-۵- قاعده اِثم

مطابق این قاعده اگر اِثم، یعنی گناه و زشتی در عملی از نفع و سود آن بیشتر و بزرگتر باشد تحریم می‌گردد. سلاح‌های هسته‌ای مصداق قاعده ی اِثم می‌باشند. و به وضوح اِثمی بزرگتر از نفع دارند. گسترش سلاح‌های هسته‌ای و تولید و انباشت آنها بطور پیوسته اِثمی را سبب خواهد شد که بیشتر از نفع خواهد بود. به واقع همه معتقدند که فساد نهفته در سلاح اتمی ذاتی و حداکثری می‌باشد و باعث شکل گیری این قاعده می‌گردد (رستمی نجف آبادی و فرهادیان، ۱۳۹۹: ۱۰۸).

۸-۶- قاعده نفی سبیل

بر اساس قاعده‌ی نفی سبیل برای عزت و اعتلای اسلام و مسلمانان به جواز تولید سلاح‌های هسته‌ای تاکید می‌شود اما بر مبنای نظریه‌ی ممنوعیت استفاده از تولید سلاحی که بر قدرت کشور نمی‌افزاید در ایجاد سلطه و سبیل بی‌تاثیر است. همانطور که رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرمایند «تسلیحات هسته‌ای برای یک ملت قدرت نمی‌آورد، چون قابل اجرا و استفاده نیست». مورد دیگر اینکه ایجاد اقتدار و نفی سلطه دشمن با وسایل نامشروع محقق نمی‌شود چرا این سلاح‌ها از موارد ایجاد فساد و حرام هستند. از سوی دیگر قدرت افزایی تنها با ساخت و افزایش پیشرفته‌ترین سلاح‌ها محقق نمی‌شود بلکه از طریق عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی نیز می‌توان به اقتدار و ایجاد سلطه بر دشمن رسید (احسانی فر، ۱۳۹۴: ۲۱۷).



۹- بحث و نتیجه گیری

با استناد به یافته های بدست آمده در پژوهش حاضر می توان عنوان نمود:

- الف- در آیه ۶۰ سوره انفال مسلمان را به مقابله با دشمنان و ایجاد تسلیحات قوی و آمادگی نظامی و دفاعی حداکثری امر می کند لکن این آمادگی که هم از لحاظ نیروهای انسانی و هم از لحاظ قدرت سلاح ممکن است شامل سلاح های اتمی نمی شود چرا که هم عقل وجود سلاح های اتمی را بخاطر ضرر حداکثری آن ها قبیح می داند و اینکه در بسیاری از آیات قرآن خداوند می فرماید که نباید در زمین فساد کنید و وجود سلاح های هسته ای علاوه ایجاد فساد نیز بر حق سلامت همگانی و محیط زیست و محدود کردن آنها بر یک نقطه ای مشخص که سبب از بین رفتن نسل های آینده می شود. هم چنین تولید و انباشت این سلاح ها بر اساس استدلال عقلی خود مقدمه ای برای استفاده از آن ها در راه منکر می باشد.
- ب- مطابق فتوای مقام معظم رهبری تولید و انباشت سلاح های هسته ای را حرام اعلام می باشد که این فتوا نه تنها بر مسلمانان بلکه بر غیر مسلمانان نیز واجب است. چرا که این سلاح ها علاوه بر داشتن هزینه های تولید بسیار بالا اگر بدست گروه های ناهل بیافتد می تواند باعث نابودی جهان بشود.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ۱- احسانی فر، احمد (۱۳۹۴)، مبانی فقهی ممنوعیت تولید و انباشت سلاح هسته ای، فصلنامه تخصصی دین و قانون، ۱ (۱۰)، ۱۸۸-۲۲۵.
- ۲- ----- (۱۳۹۵)، ممنوعیت فقهی استفاده از سلاح هسته ای در شرایط مقابله به مثل، فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم انسانی اسلامی، ۱ (۱)، ۸۱-۱۱۰.
- ۳- ایزدهی، سید سجاد؛ صدیق تقی زاده، صدیق (۱۳۹۷)، ممنوعیت استفاده از سلاح کشتار جمعی (نقد و بررسی ادله)، مجله علوم سیاسی، ۱۵ (۶۰)، ۷-۲۷.
- ۴- حنان، حمید رضا؛ علوی وثوقی، سید یوسف (۱۳۹۹)، بازخوانی مبانی فقهی حرمت و ممنوعیت تولید و استفاده از سلاح های هسته ای، نشریه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۲ (۲۲)، ۲۰۷-۲۳۲.
- ۵- داوودی لیمونی، سعید، داودی لیمونی، علیرضا (۱۳۹۴)، ضرورت فقهی طرح منطقه ای عاری از سلاح هسته ای: ممنوعیت سلاح هسته ای از منظر حقوق بین الملل و اسلام، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۲ (۳)، ۵۱-۷۲.
- ۶- رستمی نجف آبادی، حامد؛ فرهادیان، عبدالرضا (۱۳۹۹)، جرم بودن اقدام علیه بشریت به وسیله سلاح های هسته ای از نگاه فقه با رویکرد فتوای مقام معظم رهبری، فصلنامه علمی پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۱۱ (۴)، ۱۰۱-۱۱۸.
- ۷- سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۱)، جرم انگاری کاربرد سلاح های هسته ای در چارچوب حقوق بین الملل بشر محور در حال ظهور، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱ (۱)، ۶۱-۹۶.
- ۸- رضایی، راحله و همکاران (۱۳۹۳)، مفهوم و جایگاه حق بر سلامت در نظام حقوقی ایران، فصلنامه حقوق پزشکی، ۸ (۳۰)، ۱۸۳-۱۹۹.
- ۹- ضیائی بیگدلی، محمد رضا (۱۳۹۵)، اسلام و حقوق بین الملل، چ دوازدهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۱۰- ----- (۱۳۷۳)، حقوق جنگ، تهران، نشر دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۱- ----- (۱۳۹۴)، حقوق بین الملل بشر دوستانه، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۱۲- طباطبائی، سید محمد رضا (۱۴۱۲)، میزان فی تفسیر القرآن، چ اول، بیروت، نشر موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۱۳- طوسی، ابو جعفر ۱۳۶۵، التهیّب الاحکام، چ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه،
- ۱۴- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۷)، فقه هسته ای، چ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱۵- عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۷۷)، سیری در نظریه های بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته ای، مجله سیاست دفاعی، (۲۵): ۴۸-۲۰.



- ۱۶- علیدوست، ابوالقاسم؛ احسانی فر، احمد (۱۳۹۸)، ممنوعیت فقهی استفاده از سلاح هسته‌ای کشتار جمعی در شرایط اضطرار جنگی، فصلنامه مطالعات حقوق اسلامی، ۱۶ (۶۱)، ۱۱۹-۱۴۷.
- ۱۷- فاضل لنکرانی، محمد جواد (۱۳۹۳)، تولید و استفاده از سلاح های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی، دو فصلنامه فقه و اجتهاد: ۱ (۳۹)، ۱۳-۳۶.
- ۱۸- فنائی، رویا (۱۳۹۵)، بررسی فقهی- حقوقی ساخت، تهدید به استفاده از سلاح های هسته ای، کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم.
- ۱۹- قربان نیا، ناصر (۱۳۹۲)، ممنوعیت مطلق کاربرد سلاح هسته‌ای، فصلنامه حقوق اسلامی، ۱۰ (۳۹)، ۷۹-۱۱۱.